

تسخیر لانه جاسوسی امریکا

و سفر کمیسیون تحقیق سازمان ملل به ایران

اصغر حیدری*

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اعتراض به دخالت‌های امریکا در امور داخلی ایران، دشمنی آن کشور با انقلاب اسلامی و به ویژه پذیرش و نگهداری محمدرضا پهلوی و حمایت از او، سفارتخانه امریکا را در تهران به تصرف خود درآوردند و در نتیجه روابط تنش‌آلود ایران و امریکا وارد مرحله خصمانه‌ای شد. امام خمینی^(س) تصرف سفارتخانه امریکا را انقلاب دوم نامیدند و اکثریت قاطع ملت ایران نیز پشت سر رهبر فرزانه خویش با تظاهرات گسترده، اقدام دانشجویان را تأیید نمودند و از آن حمایت کردند.

* کارشناس ارشد ایران‌شناسی.

در واکنش به این امر، اتفاقات مهمی در عرصه داخلی و خارجی ایران روی داد. دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان استعفا داد (گرچه او استعفای دولت موقت را مربوط به تصرف سفارتخانه امریکا نمی‌داند و آن را تصمیمی قبلی تلقی کرده و حتی مدعی است یک روز قبل از گروگان‌گیری امریکایی‌ها، استعفا به تأیید هیئت دولت رسیده بود)^۱ و تلاش دولت‌های غربی به سرکردگی امریکا جهت به بن‌بست کشانیدن انقلاب اسلامی و شکست آن در یک جبهه متمرکز گردید.

مخالفان داخلی و خارجی تصرف سفارتخانه امریکا، عمدتاً بر مسائل سیاسی، حقوقی و انسانی تأکید می‌کردند و تصرف سفارتخانه را در مخالفت ماهوی با این سه مؤلفه ارزیابی می‌نمودند. به عنوان نمونه یکی از مخالفان سیاسی این امر می‌نویسد:

دولت‌های غربی و شرقی اروپا و حتی عربی مسلمان و آفریقایی آسیایی غیر مسلمان نسبت به عمل ایران که زیر پا گذاشتن ساده‌ترین روابط دیپلماسی و تعهدات بین‌المللی بود معترض و ناراحت گردیده یک جو انزجار یا استعجاب (تعجب) و ابهام علیه انقلاب اسلامی ایران خصوصاً در امریکای شمالی و اروپای آزاد به وجود آمد. دولت‌های غربی اروپا که در همکاری با شوروی و بعضی دولت‌های سوسیالیستی تلاش‌های راه حل جویانه دیپلمات‌هایشان به جایی نرسید نیز احساس دلزدگی و خطر نسبت به انقلاب اسلامی کرده همدردی و تمایل نسبت به سیاست امریکا در آنها به وجود آمد و جبهه امریکایی اروپا قوی‌تر گشت. اگر انقلاب دوم ما در داخل کشور تخصم و تفرقه را در حرکت گریز از مرکز زیاد کرد، در خارج کشور موجب الفت و وحدت گردیده در برابر آنها ما را از دنیا مجزی نموده رفته رفته منفرد ساخت و سیاست دولت‌ها و افکار و دل‌های ملت‌ها را در عقیده و علاقه علیه انقلاب اسلامی ایران بر انگیخت.^۲

عده‌ای دیگر پا را فراتر گذاشتند و مدعی شدند دانشجویان عامل قدرت‌طلبی رهبران نظام

۱. مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت (تهران: مؤلف، ۱۳۶۳)، ج ۳، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۹۶ و ۹۷.

جمهوری اسلامی بودند و در تحلیل‌های احساسی و به دور از حقیقت خود گفتند:

دانشجویان خط امام وسیله کار بودند، اگر گروگان‌گیری طرحی امریکایی نمی‌بود که به ایران آمده و سرانجام یک طرح انقلابی تصور شد و به اجرا درآمد، اما در عمل طرح مشترک دو طرف در دو کشور (ایران و آمریکا) بود که یک هدف داشتند و آن تصرف قدرت بود، پس با یکدیگر همکاری می‌کردند. دانشجویان گمان می‌بردند طرح را خود ساخته‌اند اما بلافاصله مثل اغلب حرکت‌ها، دست‌مایه قدرت‌طلب‌ها شدند. دیگر نه تنها دانشجویان خط امام که تمامی مردم وسیله شدند.^۱

دومین حربه مهم معترضان به تصرف سفارتخانه آمریکا «حربه حقوقی» بود که در آن با پیش کشیدن مصونیت‌های مطرح شده در قرارداد «وین»، حمله به سفارتخانه مذکور و تصرف آن، کاری خلاف حقوق بین‌الملل تلقی می‌شد. یکی از چهره‌های معروف این طرز تفکر، آقای «کورت والدهایم» دبیر کل وقت سازمان ملل بود که در خاطراتش می‌نویسد:

در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، دانشجویان انقلابی در تهران سفارت آمریکا را اشغال کرده بودند و مأموران سیاسی و سایر کارکنان آن را زندانی خود ساخته بودند. از آن تاریخ، ۵۲ گروگان امریکایی در ساختمان سفارت نگهداری می‌شدند. از زمان قیام بوکسرها (مشت‌زنان چین در اوایل این قرن) نظیر چنین تجاوز آشکاری به حقوق بین‌الملل در هیچ جا روی نداده بود. مصونیت مأموران سیاسی و حقوقی برون‌مرزی و ساختمان مقر نمایندگی‌های سیاسی در سراسر جهان غیر قابل تجاوز تلقی می‌شود... این امر در دومین کنگره وین در سال ۱۹۶۱ نیز در عهدنامه‌ای صریحا تأیید و جزئیات آن مشخص شده است.^۲

شایسته ذکر است که قرارداد وین درباره روابط سیاسی بین‌الملل در ۱۸ آوریل ۱۹۶۱ مطابق ۲۹ فروردین ۱۳۴۰ در شهر وین به امضای نماینده مختار دولت ایران رسید و مشتمل

بر ۵۳ ماده و دو پروتکل است. در ماده ۲۲ قرارداد مذکور به مصونیت اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و اشیای موجود و نیز وسایل نقلیه آن از تجاوز و خسارت و تفتیش و مصادره و توقیف تصریح شده است. مطابق ماده ۲۴، بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و هر مکان از تعرض مصون هستند و بر اساس ماده ۳۰، مأمور سیاسی در کشور پذیرنده از مصونیت تعقیب جزایی برخوردار است. در ماده ۴۵ نیز چنین آمده است:

در صورت قطع روابط سیاسی بین دو کشور و یا زمانی که مأموریت به طور قطعی یا موقتی خاتمه یافته است کشور پذیرنده موظف است حتی در صورت وجود اختلاف مسلحانه، اماکن مأموریت و همچنین اموال و بایگانی آن را محترم شمرده و حمایت نماید.^۱



۱. جهانگیر منصور، مجموعه قوانین و مقررات جزایی، ج ۲ (تهران: دیدار، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۳۵-۱۰۲۸.

افرادی که معتقدند تصرف سفارتخانه آمریکا برخلاف قرارداد وین و مصونیت‌های مندرج در آن برای اعضای مأموریت سیاسی (سفارتخانه، کنسولگری‌ها و کارمندان کشور فرستنده) بوده است، به عمد یا از روی نیت‌های ناپاک و غرض‌آلود خود به دو ماده ۴۱ و ۴۲ قرارداد مذکور رجوع و اشاره نکرده‌اند. در ماده ۴۱ قرارداد وین آمده است:

کلیه اشخاصی که از مزایا و مصونیت‌ها استفاده می‌کنند بدون آنکه به مزایا و مصونیت‌های آنان لطمه‌ای وارد آید مکلفاند قوانین و مقررات کشور پذیرنده را محترم شمرده و از مداخله در امور داخلی آن کشور خودداری نمایند ... اماکن مأموریت طوری مورد استفاده قرار نخواهد گرفت که با وظایف مأموریت مندرج در این قرارداد یا سایر حقوق بین‌الملل عمومی و یا در قراردادهای معتبر بین کشور فرستنده و کشور پذیرنده مغایر باشد.

ماده ۴۲ نیز چنین است: «مأمور سیاسی در کشور پذیرنده فعالیت حرفه‌ای یا تجاری به قصد انتفاع شخصی نخواهد داشت.»^۱

به گواهی اسناد به دست آمده از سفارتخانه آمریکا و همچنین دستگاه‌های پیشرفته مخابراتی و استراق سمع به کار رفته در ساختمان آن، مکان مذکور در پوشش سفارتخانه و با تکیه بر

امام خمینی (س) تصرف سفارتخانه امریکا را انقلاب دوم نامیدند.

مصونیت‌های ادعایی در واقع مکانی برای طراحی و اجرای نقشه‌های ضد انقلابی و ضد ایرانی و به تعبیر دیگر نه «سفارتخانه» بلکه «جاسوسخانه» و از ارکان اصلی ستون پنجم دشمن در داخل کشور بوده است و بر خلاف ماده ۴۱ قرارداد وین، اعضای سفارتخانه به دستور مقام‌های بالای خود در وزارت خارجه آمریکا و کاخ سفید واشنگتن، قوانین ایران را محترم نمی‌شمردند و همواره در دوره پهلوی و به صورت وسیع‌تر و شدیدتر در دوره انقلاب و بعد

۱. همان، ص ۱۰۳۴.

از پیروزی انقلاب در امور داخلی کشور ما دخالت‌های فراوان می‌کردند. علاوه بر آن، کارهای تجاری و حتی خلاف مقررات پذیرفته شده انجام می‌دادند. مأموران رده بالای سفارتخانه امریکا در تهران با گروه‌های ضد انقلاب و آنهایی که دست به کشتار مردم و ترور شخصیت‌های انقلابی می‌زدند همواره در ارتباط بودند و اغلب، آنها را مورد حمایت مالی قرار می‌دادند. در این زمینه، گروهک منحرف و شیطنانی فرقان^۱ و حزب خلق مسلمان را می‌توان نام برد. رهبران رده بالای حزب اخیر با نشست‌های مشترک با مسئولان سفارتخانه امریکا به اهداف مشترک رسیدند و چند میلیون دلار از امریکایی‌ها گرفتند و خرج فعالیت‌های ضد انقلابی و خرید سلاح نمودند. گزارش این واقعات‌های تکان‌دهنده که توسط مسئولان سفارتخانه به وزارت امور خارجه امریکا ارسال شده خوشبختانه در مجموعه اسناد لانه جاسوسی منتشر گردیده است.^۲

بخش زیادی از اسناد سفارتخانه توسط مأموران و کارمندان آن برای اینکه به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نرسد با دستگاه‌های مخصوص به صورت رشته و پودر در آمدند، دانشجویان با تلاش پیگیر بخشی از اسناد رشته شده را با دقت تمام به هم چسبانند و خوانند. تا سال ۱۳۶۶ در مجموع ۳۰۰۰ صفحه شامل ۲۳۰۰ سند بازسازی و در ۸۵ جلد از اسناد لانه جاسوسی امریکا به چاپ رسید اما متأسفانه اسناد و میکروفیلم‌های پودر شده در دو بشکه بزرگ قابل بازیابی نبود.^۳

امریکایی‌ها با وقاحت تمام در تماس‌های محرمانه با برخی مسئولان نظام جمهوری اسلامی،

۱. معصومه ابتکار، تسخیر (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۹)، ص ۱۴۶. خانم دکتر ابتکار خود از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و سخنگوی آنها بود.

۲. نگارنده در کتاب طوفان در آذربایجان (تبریز: احرار، ۱۳۸۱)، بخش هشتم این اسناد را ارائه و توضیح داده‌ام. همچنین در کتاب آیت‌الله شریعتمداری به روایت اسناد- که امید است به زودی توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شود- بخشی از اسناد مذکور را یادآور شده‌ام.

۳. ابتکار، همان، ص ۱۴۹.

از آنها در جهت اهداف جاسوسی خود استفاده می‌کردند و در برخی موارد آنان را به مأموران حقوق بگیر خود مبدل می‌ساختند. نمونه بارز این امر تماس‌های آنان با دکتر ابوالحسن بنی‌صدر از کاندیدهای دوره اول ریاست جمهوری بود که در نهایت با توجه به شخصیت او و تفکر نه چندان همسویش با جریان انقلاب و رهبری آن با ماهی ۱۰۰۰ دلار با نام و کد رمز LURE/۸ SD در جرگه جاسوسان امریکا درآمد.^۱



برخی از اعضای سفارتخانه امریکا در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ با باند جاعل دلار و پاسپورت در ایران همکاری داشتند. این گروه با کمک امریکایی‌های سفارتخانه، ویزای تحصیلی و حتی

۱. همان، ص ۱۵۴-۱۵۰. تصاویر تمام اسناد راجع به بنی‌صدر در اسناد لانه جاسوسی را در این کتاب ببینید: دادگستری جمهوری اسلامی، غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹ (تهران: ۱۳۶۴)، ص ۶۲-۲۹.

مدارک تحصیلی جعل می‌کردند و می‌فروختند.^۱ اکنون باید پرسید کدام یک از این فعالیت‌ها و امور، با روح قرارداد وین و به ویژه دو ماده ۴۱ و ۴۲ آن قرارداد همخوانی دارد؟ قرارداد وین ابتدا بارها و به صورت خطرناک توسط خود امریکایی‌ها نقض شد و در روابط بین دو کشور امریکا و ایران با اقدام‌های امریکایی‌ها در واقع به صورت قرارداد مرده درآمد. آیا در میان سردمداران امریکا وجدان بیداری پیدا می‌شود تا پاسخ گوید؟

با روشن شدن ماهیت واقعی فعالیت‌های امریکایی‌ها در سفارتخانه و جاسوسی و نیز ارتباط و هدایت گروه‌های ضد انقلاب توسط آنها، امام خمینی^(س) چند بار احتمال محاکمه آنها را مطرح نمودند. در ۲۶ آذر ۱۳۵۸ در دیدار خبرنگاران خارجی از زندان اوین و حضور آنان در جلسه حکام شرع و قضات دادگاه‌های انقلاب اسلامی، آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع گفت:

محاکمه گروگان‌ها با کسب اجازه از محضر امام زیر نظر شورای انقلاب و با نظر حاکم شرع صورت خواهد گرفت و طبق موازین اسلام و با توجه به آیات شریفه قرآن مجید با آنها بر قسط و عدالت رفتار خواهد شد. ولی دیپلمات‌نماها و جاسوسان از این قاعده مستثنی هستند. جاسوسان از نظر فقه اسلام کیفر شدید دارند و امام مسلمین می‌تواند جاسوسان را بکشد و یا استرقان (برده) بکند و در هر صورت تصمیم نهایی با امام مسلمین است و حتی امام می‌تواند آنها را ببخشد و یا آزاد کند. البته در میان این افراد معلوم نیست همه دشمن سرسخت کشور و اسلام باشند و ممکن است در میانشان افراد بی‌گناهی نیز باشند. آنها می‌توانند و کیلی بگیرند که با موازین فقه اسلام آشنا باشند.^۲

اعلام احتمال محاکمه گروگان‌ها، مقام‌های ارشد کاخ سفید را بسیار نگران ساخت. سایروس ونس، وزیر خارجه امریکا در جلسه مهمی به جیمی کارتر رئیس جمهور امریکا گفت:

۱. روزنامه اطلاعات، (۱۳۵۸/۱۲/۷): ص ۲. دادستانی کل انقلاب با کشف و دستگیری بانده مذکور، یکی از گروگان‌های امریکایی را به جرم همکاری با آنان تحت تعقیب قرار داد.

۲. روزنامه اطلاعات، (۲۷ آذر ۱۳۵۸): ص ۲.

آقای رئیس جمهور، ده تن از گروگان‌ها (ی سیاهپوست و زن) آزاد شده‌اند و در حالی که با افراد ما بد رفتاری شده است ما هیچ دلیل قاطعی برای اثبات اینکه به آنها آسیب جدی رسیده باشد نداریم. ما می‌توانیم با ایرانیان از طریق سازمان ملل یا سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کنیم. تهدید به محاکمه افراد ما، مرا بسیار نگران کرده ولی نمی‌خواهم دست به کار عجولانه یا احمقانه‌ای بزنیم تا در دامی که خمینی برایمان گسترده است گرفتار شویم. خمینی سعی دارد ما را وسوسه و تحریک کند. انقلاب او [امام خمینی] موفق به حل مشکلات اقتصادی ایران نشده و کم‌کم تحرک خود را از دست می‌دهد. او به بحران گروگان‌ها متوسل شده تا بتواند مردم خود را متحد سازد و توجه‌شان را از مسائل ایران منحرف کند.^۱

استانسفیلد ترنر، رئیس وقت سازمان سیا در جلسه مذکور گفت:

حرف‌هایی که خمینی در زمینه جاسوس‌ها و محاکمات می‌زند تنها راه لفاظی سیاسی نیست. متخصصین امور ایران در سیا بر این باورند که او واقعا معتقد است که این افراد جاسوس هستند و از این نظر وی کاملا محق خواهد بود که آنان را محاکمه یا اعدام کند.^۲

کارتر در این جلسه، اقدام‌های آمریکا در صورت محاکمه گروگان‌ها در ایران را چنین ذکر کرد:

ما می‌توانیم ایران را محکوم کنیم و رابطه سیاسی خودمان را با آنها قطع کنیم. از میان راه حل‌های نظامی برای مجازات آنها من می‌توانم دستور دهم به هدف‌های اقتصادی ایران مانند مناطق نفت‌خیز ضربه وارد شود و یا بنادر آنها را مین‌گذاری و یا محاصره کنیم. از دیگر اقداماتی که می‌توانیم به وسیله آن اوضاع را تحت تأثیر قرار دهیم این است که شاه (محمدرضا پهلوی) را از ایالات متحده منتقل کنیم، تمام راه حل‌های قانونی

۱. همیلتون جردن، بحران (آخرین سال ریاست جمهوری کارتر)، ترجمه محمود مبنا (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)،

ص ۷۰.

۲. همان، ص ۷۲.

را از طریق سازمان ملل و دیوان داوری بین‌المللی حل کنیم و هم‌پیمانان خود را تشویق کنیم که کارمندان سفارت خود را به عنوان مقدمه‌ای در زمینه قطع روابط سیاسی با ایران از تهران خارج کنند.^۱



با اعلام احتمال محاکمه و مجازات گروگان‌های امریکایی، فعالیت‌هایی از سوی برخی اعضای شورای انقلاب و وزرا مانند ابوالحسن بنی‌صدر (وزیر خارجه وقت) و صادق قطب‌زاده (وزیر خارجه بعدی) برای مذاکره با امریکا به قصد حل مشکل گروگان‌ها صورت گرفت. از سوی امریکایی‌ها نیز فعالیت‌های مشابهی به عمل آمد. توضیح اینکه پنج روز پس از تصرف سفارتخانه امریکا، شورای امنیت سازمان ملل تشکیل جلسه داد و از ایران خواست امریکایی‌ها را آزاد کنند چهار روز پس از آن، ابوالحسن بنی‌صدر وزیر امور خارجه ایران طی

نامه‌ای به سازمان ملل تقاضا کرد جلسه ویژه شورای امنیت جهت شنیدن استدلال‌های نماینده ایران تشکیل شود. بنی‌صدر در عین حال خواست آمریکا با تحقیق در مورد سیاست شاه و بازپرداخت کلیه سپرده‌های بانکی او و افراد خانواده‌اش به دولت ایران موافقت نماید.

یک روز پس از وصول پیام بنی‌صدر، سایروس ونس، وزیر خارجه آمریکا و هارولد ساندرز، معاون وزارت خارجه آمریکا در مسائل خاورمیانه، محرمانه به نیویورک رفتند تا با دبیرکل سازمان ملل، کورت والدهایم، درباره نحوه اقدام در قبال ایران مذاکره کنند. والدهایم پس از ذکر فرآیند مذکور ادامه می‌دهد:

در گفتگوهای طولانی (با آن دو نفر) راه حلی را که امیدوار بودیم هر دو طرف را راضی سازد آماده ساختیم. این راه حل کلی شامل آزاد شدن گروگان‌ها و تشکیل کمیسیونی برای تحقیق پیرامون ادعاهای ایران در زمینه تجاوزهای سخت نسبت به حقوق بشر در رژیم شاه می‌شد. ضمناً آمریکا موافقت داشت که ایران ادعاهای خود را در زمینه سپرده‌های شاه نزد بانک‌های خارجی در دادگاه‌های ایالات متحده دنبال کند. اما در عین حال راه حل نمونه ما شامل ماده‌ای بود که ایران را مکلف به رعایت مفاد عهدنامه وین در مورد روابط سیاسی و مصونیت مأموران سیاسی می‌کرد. با این پیشنهادها در کیف خود به تهران سفر می‌کردم.^۱

حاصل مشترک فعالیت‌های دو طرف ایرانی و امریکایی، یافتن طرحی برای حل مشکل گروگان‌ها در قالب مسافرت سه روزه کورت والدهایم (۱۱ تا ۱۳ ۱۳۵۸) به تهران بود. هنگام رسیدن وی به تهران، صادق قطب‌زاده به عنوان وزیر خارجه به پیشواز رفت و به طور خصوصی به والدهایم گفت:

طبیعتاً ما از شما دعوت کرده‌ایم که بیایید، اما باید در برابر افکار عمومی تظاهر کنیم که شما برای مذاکره در مورد آزادی گروگان‌ها نیامده‌اید، باید از شما تقاضا کنم که در اینجا مدام تأیید کنید که بازدید شما جنبه پژوهشی دارد و نه مذاکره درباره آزادی

گروگان‌ها. به شما دلایل بی‌رحمی ساواک و همچنین دلایل زجر کشیدن ملت ایران را نشان خواهیم داد. با توجه به وضع شدیداً متشنج و حساسیت مردم به خصوص دانشجویان تندروی انقلابی در سفارت، باید نهایت احتیاط را به کار بریم.^۱ والد‌هایم نیز طبق قول و قرار با قطب‌زاده در هنگام گفتگو با خبرنگاران در فرودگاه مهرآباد گفت:

دیدار من از ایران برای تبادل نظر با مقامات ایرانی است و امیدوارم بتوانم در این سفر همه جنبه‌های بحران موجود را بررسی کنم. لازمه حل مشکلات ایجاد شرایط صلح‌آمیز خواهد بود، بنابراین آگاهی از دیدگاه‌های مقامات ایرانی برای من اهمیت بسیار دارد. من اجباراً به ایران نیامده‌ام، من از سوی دولت امریکا به ایران نیامده‌ام، من فرد مستقلی هستم و شخصاً خواستار سفر به ایران شده‌ام. این مسئله هیچ ربطی به سیاست‌های دولت امریکا در قبال بحران ایران ندارد.^۲

◆

مخالفان داخلی و خارجی تصرف سفارتخانه امریکا، عمدتاً بر مسائل سیاسی، حقوقی و انسانی تأکید می‌کردند و تصرف سفارتخانه را در مخالفت ماهوی با این سه مؤلفه ارزیابی می‌نمودند.

قطب‌زاده در گفتگو با والد‌هایم به اطلاع وی رسانید که ایران استرداد شاه و بازپرداخت ثروت او در مقابل آزادی گروگان‌ها را می‌خواهد. والد‌هایم نیز برنامه‌ای را که با امریکایی‌ها آماده کرده بود ارائه داد که بر اساس آن باید کمیسیون تحقیق تشکیل شود و قبل از تشکیل آن یا همراه با تشکیل آن گروگان‌ها آزاد شوند. ایالات متحده هم

مانعی بر سر کوشش‌های ایران برای پس گرفتن اموال شاه از طریق مراجعه به دادگاه‌های

۱. همان، ص ۱۲.

۲. روزنامه اطلاعات، (۱۲ دی ۱۳۵۸): ص ۲.

امریکا ایجاد نکند. اما والدهایم اضافه نمود که ایالات متحده تحت هیچ شرایطی با استرداد شاه موافقت نمی‌کند.

در دومین دور مذاکرات، قطب‌زاده به اطلاع والدهایم رسانید که شورای انقلاب این پیشنهاد را که گروگان‌ها قبل از تشکیل کمیسیون تحقیق آزاد شوند را نپذیرفته است. در عین حال قطب‌زاده علاقه خود را به تشکیل کمیسیون تحقیق بین‌المللی ابراز داشت و افزود: «اجلاس عمومی سازمان ملل باید چنین نهادی را تشکیل دهد و به محض آنکه نتیجه تحقیقات این کمیسیون انتشار یافت می‌توان درباره آزادی گروگان‌ها هم مذاکره کرد.»^۱

نتیجه چند دور گفتگوی قطب‌زاده با والدهایم یافتن فرمولی برای تشکیل کمیسیون تحقیق بود که منحصرآ درباره جنایات شاه، چپاول اموال دولت و دخالت ایالات متحده امریکا در ایران تحقیق و بررسی می‌کرد.^۲ شهید آیت‌الله بهشتی رئیس شورای انقلاب در دیدار والدهایم با ده عضو شورا نیز به اطلاع وی رسانید که ایران تشکیل کمیسیون تحقیق با

◆

مأموران رده بالای سفارتخانه امریکا در تهران با گروه‌های ضد انقلاب و آنهایی که دست به کشتار مردم و ترور شخصیت‌های انقلابی می‌زدند همواره در ارتباط بودند و اغلب، آنها را مورد حمایت مالی قرار می‌دادند.

وظایف مشخصی را می‌پذیرد. شهید بهشتی سپس خطاب به والدهایم گفت:

تاکنون سازمان ملل هرگز درباره رفتار امریکایی‌ها، چپاول ثروت‌های ایران توسط امریکایی‌ها، جنایات ساواک و دزدی ثروت ملی ایران توسط شاه ابراز تأسف نکرده است. اما حالا چون چند نفر امریکایی توقیف شده‌اند ناگهان افکار عمومی جهان را بر شورانده‌اند، در حالی که در واقع این سیاست ایالات متحده است که باید مورد سؤال

۱. والدهایم، همان، ص ۱۴.

۲ همان، ص ۱۶.

قرار گیرد. این هم از وظایف کمیسیونی است که باید تشکیل شود. هر قدر هم گروگان‌گیری توسط دانشجویان ایرانی را دیگران به شدت محکوم کنند، در ایران این وطن‌پرستان از حمایت کامل تمامی مردم برخوردارند. مسئله گروگان‌ها را نمی‌توان مجزا از موضع شکایت‌های ایران مورد توجه قرار داد. این ایالات متحده است که با رفتارش در ایران به شدت از قوانین بین‌المللی تخطی کرده است. به هر حال باید استرداد شاه به دولت ایران جزئی از قرارداد احتمالی باشد.^۱

روز بعد از این دیدار، کورت والدهایم در ۱۳ دی ۱۳۵۸ تهران را ترک کرد. رابط‌های قطب‌زاده جهت مذاکره با مقام‌های امریکایی، دو وکیل فرانسوی به اسامی «کریستیان بورگه» و «هکتور ویالون» بودند. سازمان سیا در گزارشی راجع به آن دو، بورگه را «فردی سیاسی و وکیل فرانسوی چپ‌گرا که وکالت دولت جدید ایران را در پاره‌ای از دعوی به عهده گرفته بود» و ویالون را «فردی شارلاتان و حقه‌باز بین‌المللی» معرفی کرده بود.^۲ آن دو با دستور قطب‌زاده به امریکا رفتند و در دیدار با همیلتون جردن رئیس ستاد کاخ سفید و رئیس دفتر و مشاور کارتر نوار گفتگوی محرمانه کورت والدهایم با اعضای شورای انقلاب را در تهران به وی تحویل دادند. این امر موجب تعجب و البته خوشحالی جردن شد و وی آن را در اختیار سایروس ونس و کارتر قرار داد.^۳

بورگه و ویالون که مأمور گفتگو با امریکایی‌ها بودند در جلسه ۵ بهمن ۱۳۵۸ به جردن چنین گفتند:

بر مبنای مذاکره با وزیر خارجه (قطب‌زاده) پیش‌بینی می‌کنیم که ایرانیان از سازمان ملل خواستار تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به شکایت خود بشوند. امریکا باید با تشکیل این کمیسیون مخالفت ورزد، مهم این است که به ظاهر وانمود شود که کمیسیون

۱. همان، ص ۲۰ و ۲۱.

۲. جردن، همان، ص ۱۴۵.

۳. همان، ص ۱۴۸ و ۱۵۷.

مزبور به رغم مخالفت امریکا برپا شده و ایران در سازمان ملل یک پیروزی بر امریکا کسب کرده است. کمیسیون برای رسیدگی به شکایات ایرانیان و بررسی وضع گروگان‌های امریکایی به ایران عزیمت خواهد کرد. پس از یک هفته کمیسیون گزارشی تقدیم سازمان ملل متحد و آیت‌الله خمینی خواهد کرد که در آن اظهار خواهد داشت گروگان‌ها در شرایطی به سر می‌برند که با معیارهای اسلامی مطابقت ندارد. در یک ژست بخشش و عطوفت اسلامی، آیت‌الله به مناسبت یکی از اعیاد مهم مذهبی دستور آزادی گروگان‌ها را صادر خواهد کرد. آنگاه کمیسیون به نیویورک باز می‌گردد و گزارش علنی مأموریت خود را در مورد شکایت‌های ایران به سازمان ملل تقدیم خواهد نمود.^۱



بخش زیادی از اسناد سفارتخانه توسط مأموران و کارمندان آن برای اینکه به دست دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نرسد با دستگاه‌های مخصوص به صورت رشته و پودر در آمدند.



به گفته همیلتون جردن، جلسه او و چند تن از مقام‌های امریکایی با دو فرستاده قطب‌زاده، دوازده ساعت به طول انجامید و سرانجام به آنچه به آن «سناریو» می‌گفتند دست یافتند که سندی پنج صفحه‌ای را شامل می‌گشت.^۲ در نهم بهمن بورگه و ویالون واشنگتن را به قصد تهران ترک کردند تا «سناریو» را به قطب‌زاده تحویل دهند.^۳ آن دو پس از

دیدار و مذاکره با قطب‌زاده، از سوی او مأموریت یافتند تقاضای گفتگوی مستقیم وی با همیلتون جردن در اروپا را به امریکایی‌ها ابلاغ کنند که این درخواست مورد موافقت امریکا

۱. همان، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲. همان، ص ۱۵۵. وی متن سناریو را در کتابش افشا نمی‌کند.

۳. همان، ص ۱۶۲.

قرار گرفت^۱ و جردن با تغییر قیافه توسط گریمر سازمان سیا مخفیانه به برن آلمان رفت و به مدت سه ساعت با قطب‌زاده گفتگو نمود. همیلتون جردن مجموع گفتگوی سه ساعته را که به نوشته خودش «بیشتر در مورد آینده بود» در چند پاراگراف خلاصه نموده است. قطب‌زاده در جواب سؤال جردن که پرسید: «چگونه می‌شود این بحران را به صورت صلح‌جویانه و شرافتمندانه حل کرد؟» جواب داد: «حل بحران کار آسانی است و تنها کار این است که شاه را بکشید!» و چون با تعجب سخت و پاسخ منفی او روبه‌رو شد، در توضیح خواسته فوق گفت:

اکنون شاه در پاناما است. شاید سیا بتواند آمپولی به او تزریق کند یا هر کار دیگری که به نظر برسد او به مرگ طبیعی مرده است. من از شما می‌خواهم با شاه کاری را بکنید که سیا طی سی سال گذشته با هزاران ایرانی کرده است. یکی از پدیده‌های بزرگ انقلاب این است که ایران نوین پس از اینکه موضوع گروگان‌ها را پشت سر گذاشت، در مقابله با روسیه شوروی برای شما (امریکایی‌ها) بهتر از شاه خواهد بود. اگر کارتر از بیان مطالب تحریک‌آمیز خودداری کند و صحبتش را در زمینه فشار علیه ایران متوقف سازد اتباع شما به زودی آزاد خواهند شد و شما می‌توانید به رئیس‌جمهور ایالات متحده بگویید که دولت من تمام جزئیات سناریویی را که توسط شما و وکلای فرانسوی تدوین شده رعایت خواهد کرد.

جردن از واکنش امام خمینی به سناریوی تنظیمی پرسش کرد که قطب‌زاده جواب داد: در مورد سناریو ما در شورای انقلاب بحث و مذاکره کردیم. شورا به این برنامه رأی مثبت داد. آن‌گاه به قم رفتیم و به حضور امام رسیدیم و به ایشان گفتیم که به حد کافی امریکا را بی‌آبرو کرده‌ایم و اکنون موقع آن رسیده که به حل مسئله بپردازیم تا با تجهیز نیروی خود در برابر شوروی قادر به ایستادگی باشیم و آسیب‌پذیر نگردیم.^۲

۱. همان، ۱۶۸.

۲. با تصرف افغانستان توسط شوروی در سال ۱۳۵۸، سوءظن شدیدی نسبت به هدف‌های آینده آن کشور به وجود آمده بود.

امام غالباً از پاسخ صریح خودداری می‌ورزند، اما ایشان به توضیحات ما گوش دادند و هنگامی که گفتیم شورای انقلاب و رئیس جمهور منتخب (بنی‌صدر) این رویه را تأیید کرده‌اند سرشان را به علامت تأیید تکان دادند.^۱

با پایان گفتگوی سه ساعته جردن و قطب‌زاده، وی شماره خصوصی تلفن آپارتمانش در واشنگتن و شماره مستقیم دفترش را به قطب‌زاده داد و گفت: «هرگاه مایل باشید با من صحبت کنید یا خبری را مستقیم اطلاع دهید لطفاً به این شماره‌ها تلفن بزنید».^۲

در این میان تیم ولز گردآورنده کتاب معروف ۴۴روز که خاطرات گروگان‌های آمریکایی است، ادعا می‌نماید: «نتیجه ملاقات‌های محرمانه نمایندگان ایران و آمریکا توافق بر سر اجرای سناریویی بود که در نهایت به حل بحران گروگان‌ها انجامید».^۳ آن‌گاه سناریوی مذکور را چنین توضیح می‌دهد:

ابتدا باید یک کمیسیون تحقیق از سوی سازمان ملل متحد عازم ایران شود تا به عنوان یک گروه حقیقت‌یاب، شکایت‌های ایران علیه شاه را مورد بررسی قرار دهد و نیز با تک‌تک گروگان‌های آمریکایی دیدار کند. بلافاصله پس از پایان بررسی‌های کمیسیون، دولت ایران امور مربوط به گروگان‌ها را از دست دانشجویان شبه نظامی که سفارت آمریکا را به اشغال درآورده بودند تحویل می‌گرفت و متعاقباً سرپرستی گروگان‌ها رسماً به دولت ایران واگذار می‌شد. آن‌گاه کمیسیون تحقیق، ایران را ترک می‌کرد تا گزارش اقدامات و یافته‌های خود را برای انتشار، تسلیم کورت والدهایم کند. دو روز بعد از آن نیز وقتی گروگان‌ها ایران را به قصد آمریکا ترک گفتند، با پا در میانی کورت والدهایم اعلامیه‌ای از سوی ایران و آمریکا منتشر می‌شد.

بنا بر توافق قبلی، آمریکا در اعلامیه خود باید تعهد کند که بر حق حاکمیت دولت ایران

۱. جردن، همان، ص ۱۸۵ و ۱۸۶. البته گفته‌های قطب‌زاده در مورد امام و واکنش ایشان را باید نظر شخصی

قطب‌زاده دانست و نه بیشتر!

۲. همان، ص ۱۸۶.

مجددا تأکید دارد، از دخالت در امور داخلی ایران می‌پرهیزد و شکایتهای مردم ایران علیه شاه را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. در مقابل، دولت ایران نیز در اعلامیه خود اعتراف می‌کرد که نگهداری گروگان‌ها کار درستی نبوده [۱] و نیز متعهد می‌شد که بعد از آن به قوانین بین‌المللی احترام بگذارد.^۱

با توجه به خاطرات کورت والدهایم، سخنان نقل شده از شهید آیت‌الله بهشتی در مقام ریاست انقلاب و نیز خاطرات همیلتون جردن می‌توان گفت سناریوی مذکور به صورت محرمانه بین تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده و مقام‌های امریکایی تنظیم و موضوع سناریو از امام خمینی (س) و بزرگان روحانی شورای انقلاب مخفی نگه داشته شده است.

تا سال ۱۳۶۶ در مجموع ۳۰۰۰ صفحه شامل ۲۳۰۰ سند بازسازی و در ۸۵ جلد از اسناد لانه جاسوسی امریکا به چاپ رسید اما متأسفانه اسناد و میکروفیلم‌های پودر شده در دو بشکه بزرگ قابل بازیابی نبود.

همیلتون جردن نیز به این حقیقت چنین اعتراف کرده است:

ممکن است خمینی اصولاً از کارهایی که ما [امریکایی‌ها و تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده] انجام می‌دهیم اطلاع نداشته باشد و خیل چاپلوسان حاشیه‌نشین، ما را به بازی گرفته باشند به امید اینکه زمان مساعد فرا برسد و وی دستور استخلاص گروگان‌ها را صادر نماید!^۲

هال ساندرز، معاون وزیر امور خارجه امریکا، نیز به جردن گفت: «تصور من این است که اصولاً خمینی از وجود چنین سناریویی بی‌اطلاع است.»^۳

۱. تیم ولز، ۴۴۴ روز، ترجمه دکتر حسین ابوترابیان (تهران: رجا، ۱۳۶۸)، ص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۲. جردن، همان، ص ۲۰۱.

۳. همان.

مسلم است که تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده در تماس‌های محرمانه با امریکایی‌ها، تمام یا اکثر سناریوی مذکور را پذیرفته بودند و اگر تصمیم‌گیری در مورد گروگان‌ها در دست آن دو بود به یقین مفاد سناریو را اجرا می‌کردند. شاهد ادعا اینکه قبل از تشکیل و عزیمت کمیسیون تحقیق سازمان ملل به ایران، بنی‌صدر به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب در هفته دوم بهمن ۱۳۵۸ گفته بود: «به شورای انقلاب و امام پیشنهاد خواهد کرد گروگان‌ها به دولت تحویل داده شوند»^۱ و این در حالی بود که الف) در جریان گفتگوهای قطب‌زاده با کورت والدهایم و نیز دیدار والدهایم با شورای انقلاب سخنی از تحویل گروگان‌ها به دولت نیامده بود، ب) در ادامه گفته خواهد شد که تحویل گروگان‌ها از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به شورای انقلاب (و نه دولت و حتی وزارت خارجه) زمانی مطرح شد که آنها با دیدار اعضای کمیسیون تحقیق با تمام گروگان‌ها مخالفت کردند.

امریکایی‌ها با وقاحت تمام در تماس‌های محرمانه با برخی مسئولان نظام جمهوری اسلامی، از آنها در جهت اهداف جاسوسی خود استفاده می‌کردند و در برخی موارد آنان را به مأموران حقوق بگیر خود مبدل می‌ساختند.

قطب‌زاده در مقام وزارت خارجه چنان در تحویل گرفتن گروگان‌ها (و بعد، آزادی آنها طبق توافق محرمانه) جدیت نشان می‌داد که ماندن گروگان‌ها در ایران را مانع انجام کارهای کشور می‌دانست و آشکارا می‌گفت: «مسئله گروگان‌گیری باعث شده که ما نتوانیم به مسائل دیگر خودمان پردازیم»^۲ اما شهید آیت‌الله بهشتی در جواب به این ادعا گفتند:

مسئله گروگان‌ها مشکل اول یا دوم

۱. روزنامه اطلاعات، (۲۵ بهمن ۱۳۵۸): ص ۲.

۲. همان.

برای ایران نیست. با این حال می‌خواهیم که این مشکل حل شود. ولی این مسئله چندان اهمیتی برای دولت و رهبری سیاسی ایران ندارد. ما مسائل مهم‌تر دیگری در ایران داریم.^۱

به هر حال سازمان ملل، کمیسیون تحقیق مرکب از پنج دیپلمات به ریاست «آگوئیلا» را تشکیل داد و آنها در چهارم اسفند ۱۳۵۸ وارد تهران شدند و در فرودگاه مهرآباد مورد استقبال سفرای کشورهای ونزوئلا، سوریه، الجزایر و کاردار سفارت فرانسه و چند تن از مقامات عالی‌رتبه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. همانجا سخنگوی سازمان ملل متحد در خاورمیانه اولین بیانیه کمیسیون را به این شرح قرائت کرد:

اعضای کمیسیون تحقیق بسیار خوشحال هستند که در ایران، مهد تمدن کهن بزرگ جهان، برای تحقیق و به پایان رسانیدن کاری که دبیر کل سازمان ملل به آنها ارجاع کرده است به سر می‌برند. کمیسیون ضمن تحقیق و بررسی درخواست‌های ایران و ادعاهای این کشور خواهد کوشید هرچه زودتر روابط حسنه مجددی بین دولت‌های ایران و امریکا به وجود آورد. اعضای کمیسیون امیدوارند که با همکاری ایران و امریکا بحران موجود هرچه زودتر پایان یابد.^۲

در همین روز چهارم اسفند، امام خمینی^(س) در مورد جنایات شاه، تصرف لانه جاسوسی و ورود کمیسیون تحقیق اعلامیه‌ای صادر نمودند که در آن آمده بود:

جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد. بر همه روشن است که محمدرضا پهلوی ما را از هر جهت وابسته به امریکا کرده بود، چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از نظر معنوی و خصلت‌های انسانی و اگر مهلت می‌یافت به اسلام ضربه جبران‌ناپذیری می‌زد. همه می‌دانند که دست او و پدرش به خون بزرگ و کوچک این مرز و بوم آغشته است. شاه به حمایت و پشتیبانی دولت امریکا دست به این جنایات

۱. همان.

۲. همان، (۵ اسفند ۱۳۵۸): ص ۱ و ۲.

وحشیانه زد و ما را از هستی ساقط کرد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکا و عمال آنان دست از مبارزات بر حق خویش بر نمی‌دارد و نخواهد داشت.

دولت ایران و جناب آقای رئیس‌جمهور [بنی‌صدر] تمام کوشش و سعی‌شان را در استرداد شاه‌خائن و اخذ اموال ملت ایران از او بنمایند که ملت دلیر دست از این خواست بر حقشان بر نمی‌دارند و قدمی به عقب نمی‌گذارند. یکی از آثار این خواست تصرف لانه جاسوسی بود که مورد تأیید ملت قرار گرفت و چیزی جز عکس‌العمل جنایات دولت آمریکا نمی‌تواند باشد. اکنون که کمیسیون بررسی و تحقیق در مداخلات گذشته آمریکا در امور داخلی ایران از طریق رژیم شاه سفاک توسط جناب آقای رئیس‌جمهوری و شورای انقلاب اسلامی ایران تحقق می‌پذیرد، جنایات آنان به اثبات خواهد رسید. لازم است معلولین عزیز و قهرمانان انقلاب در این مجمع حضور یابند و خانواده شهدا طومارهای جنایات شاه و آمریکا را به محکمه بفرستند.

دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر پیکر امریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند. ولی از آنجا که در آینده نزدیک، نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می‌نمایند، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگان‌ها و امتیازاتی که در قبال آن باید بگیرند تصمیم بگیرند، زیرا این مردمانند که باید در جریان‌های سیاسی دخالت داشته باشند.^۱

موضع قاطع امام خمینی (س) در مورد اینکه سرنوشت گروگان‌ها در مجلس تعیین خواهد شد، خشم شدید جیمی کارتر را در پی آورد. او که به سناریوی محرمانه و موافقت شده با تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده دلخوش کرده بود، بعد از شنیدن موضع امام، با عصبانیت به همیلتون جردن دستور داد با دو وکیل فرانسوی، بورگه و ویالون، تماس بگیرد و تهدید او را به مقامات ایرانی برسانند. جردن تهدید کارتر را در قالب این کلمات بازگفته است: «این جماعت [رهبران

ایران] دارند با آتش بازی می‌کنند. ما روی طرحی که منجر به استخلاص گروگان‌ها شود توافق کرده‌ایم و حالا با این ترتیب مثل اینکه ما همه یک کار احمقانه مرتکب شده‌ایم!»^۱

اما در مورد واکنش مقامات امریکایی به درخواست استرداد شاه به ایران باید یادآور شد که آنان به هیچ عنوان چنین درخواستی را نپذیرفتند. به یقین یکی از علت‌های اصلی این امر، مطمئن ساختن دست‌نشانندگان مزدور خود در سایر کشورهای تحت سلطه‌شان بود که اگر روزی آنها نیز با قیام مردم یا وقایع دیگری مجبور به فرار از کشور خود

◆

**با روشن شدن ماهیت واقعی
فعالیت‌های امریکایی‌ها در
سفارتخانه و جاسوسی و نیز ارتباط
و هدایت گروه‌های ضد انقلاب توسط
آنها، امام خمینی^(س) چند بار احتمال
محاکمه آنها را مطرح نمودند.**

شوند، امریکا آنها را خواهد پذیرفت، زندگی مرفهی برایشان آماده خواهد ساخت و برای روزهای آتی و اجرای نقشه‌های جدید آنها را در امنیت و سلامت نگاه خواهد داشت! همیلتون جردن با نظر مثبت کارتر، این نامه را به محمدرضا پهلوی نگاشت:

با آنکه این کمیسیون ممکن است اطلاعات و اتهاماتی نامطلوب و ناصحیح [!] در مورد ریاست جمهوری کارتر یا ایالات متحده و نیز شاه و خانواده‌اش دریافت نماید، امیدواریم اعلیحضرت این توجه را داشته باشند که کار هیئت به احتمال منجر به آزادی گروگان‌ها خواهد شد. دولت امریکا یکبار دیگر تضمین می‌کند که تحت هیچ اوضاع و احوالی موضوع استرداد شاه به ایران را تحمل نخواهد کرد و تضمین مشابهی نیز از طرف ژنرال توریکوس [رئیس جمهور پاناما، شاه در این هنگام در پاناما به سر می‌برد] به عمل آمده است که از نظر ما با حسن نیت کامل توأم بوده است.^۲

۱. جردن، همان، ص ۲۰۰.

۲. همان، ص ۱۹۹.

اعضای کمیسیون ابتدا با مقامات رسمی ایران از جمله قطب‌زاده، وزیر امور خارجه، و بنی‌صدر، رئیس جمهور، دیدار و گفتگو کردند. در ملاقات با رئیس جمهور در ۵ اسفند که یک ساعت و نیم به طول انجامید، جنبه‌های مختلف کار کمیسیون بررسی شد.^۱ آگوتیلار، رئیس کمیسیون، از بنی‌صدر پرسیده بود: «آیا اظهارات [امام] خمینی بر اینکه مجلس ایران مقام نهایی برای حل و فصل گروگان‌هاست کار کمیسیون را به خطر نمی‌اندازد؟» و بنی‌صدر جواب داده بود: «ابدا، ما یک طرح مخفی داریم و آن را به مرحله اجرا خواهیم گذاشت!»^۲



۱. روزنامه اطلاعات، (۶ اسفند ۱۳۵۸)، ص ۱.

۲. جردن، همان، ص ۲۰۳. نقش بنی‌صدر در تنظیم و اجرای سناریوی امریکایی چنان مهم و محرمانه بود که با گذشت نزدیک به ۳۰ سال از آزادی گروگان‌ها، وی در خاطراتش از سناریوی امریکایی، آزادی گروگان‌ها و نقش خود در اجرای آن هیچ سخنی به میان نمی‌آورد. نک: خاطرات ابوالحسن بنی‌صدر.

اعضای کمیسیون در مدت دو هفته حضور خود در تهران، ضمن بررسی اسناد و مدارک دولتی و دریافت شکایت‌های گوناگون، به اظهارات افراد متعدد از جمله شکنجه‌شدگان ساواک گوش دادند. آنچه کار کمیسیون را در تهران حساس کرد درخواست آنها جهت ملاقات با همه گروگان‌های امریکایی بود. این درخواست ظاهراً مورد پذیرش و تأیید شورای انقلاب نیز قرار گرفت و لذا آنان درخواست مذکور را به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتقل نمودند. در واکنش به این خواسته، دو نماینده دانشجویان در روز دوشنبه ۵۸/۱۲/۱۳ با چهار نفر از اعضای شورای انقلاب آقایان موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، مهندس سبحانی و قطب‌زاده در حضور بنی‌صدر رئیس‌جمهور وارد گفتگو شدند. ابتدا قطب‌زاده پس از طرح مسئله ملاقات اعضای کمیسیون با گروگان‌ها، گزارش مختصری از تاریخچه تشکیل و وظایف کمیسیون تحقیق بیان کرد و گفت:

کمیسیون مزبور به خاطر بررسی سه مسئله:

۱. نقض حقوق بشر توسط امریکا در ایران.

۲. جنایات شاه در ایران و

۳. ملاقات با گروگان‌ها وارد ایران شده و این امر مورد موافقت امام خمینی و شورای

انقلاب قرار گرفته است. تمام افراد کمیسیون با انتخاب ما بودند و یا دولت ایران با آنها

موافقت کرده است و اکثر افراد، شناخته شده به حسن رفتار هستند و کارتر و هیئت

حاکمه امریکا هیچ نقشی در این انتخاب نداشته‌اند و طرح این کمیسیون در مذاکرات من

با کورت والدهایم در تهران ریخته شد.^۱

نظر اعضای شورای انقلاب در جلسه مذکور این بود که چون بازدید از گروگان‌ها از طرف دولت ایران به کمیسیون قول داده شده است لذا باید بازدید انجام شود؛ زیرا در غیر این صورت دولت ایران تضعیف می‌شود. اما در جلسه مذکور دانشجویان دیدگاه‌های خود را به این صورت ارائه دادند:

ما هیچ‌گونه مخالفتی با اصل کمیسیون و اینکه باید در جهت بررسی جنایات شاه و امریکا کارش را انجام دهد نداشته و نداریم زیرا مورد موافقت امام قرار گرفته است. اما در مورد ملاقات اعضای کمیسیون با گروگان‌ها بد نبود با دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی قبلا مذاکره می‌شد و ایران باید مثل همیشه ابتکار عمل دست خودش باشد. با توجه به اینکه طبق تحلیل ما این دولت امریکاست که بر ملاقات کمیسیون با گروگان‌ها پافشاری می‌کند و منتظر آن است که این عمل واقع شود و آن را با بوق‌ها تبلیغاتی خود در جهان آن چنان منتشر کند که اصل قضیه یعنی بررسی جنایات شاه و امریکا را تحت الشعاع قرار دهد، لذا باید بین بررسی جنایات شاه و امریکا و ملاقات با گروگان‌ها تفکیکی حاصل شود که به این طریق ضربه‌ای به امریکا وارد شود و ابتکار این عمل در این قضیه که دولت امریکا در صدد بزرگ کردن آن است به دست ایران باشد، زیرا آبروی انقلاب عظیم اسلامی ایران که اکنون امید بخش دل‌های محرومین و مستضعفین جهان شده نباید از بین برود. ما حاضریم عده‌ای از گروگان‌ها را به عنوان شاهد و سند زنده جنایات امریکا در ایران با این کمیسیون ملاقات دهیم و این در جهت تحقیق پیرامون جنایات شاه و امریکاست. اگر هم تعهدی توسط دولت ایران و یا مقام ریاست جمهوری صورت پذیرفته، باید کمیسیون پس از تحقیق در این مسئله، کار خودش را ارائه دهد و در سازمان ملل از آن دفاع کند تا سازمان ملل آن را قبول نماید و ملت ایران که نتیجه کار کمیسیون را دید و تضمین پیدا کرد که کمیسیون توانسته بدون فشار امریکا در جهت صحیحی حرکت کند، آن وقت شورای انقلاب و یا دولت ایران از موضع کاملا ابتکاری از همان کمیسیون و حتی عده‌ای از شخصیت‌های دیگر دعوت به عمل آورد تا به ایران آمده و از تمام گروگان‌ها برای خبردار شدن از سلامت و شرایط زندگی آنها دیدار کنند.^۱

این استدلال و طرح دانشجویان از سوی بنی‌صدر و قطب‌زاده رد و تذکر داده شد که «اعضای کمیسیون افراد انتخابی و مورد اعتماد هستند و اگر چنین طرحی پیاده شود، طبق

۱. همان.

موازین نخواهد بود و در نهایت به ضرر ماست.» دانشجویان تأکید کردند: «از زمانی که کمیسیون به ایران آمده کاخ سفید و سخنگویان واشنگتن اصرار دارند که این کمیسیون برای حل مسئله گروگان‌ها و دیدار از آنها به ایران رفته است!» اما بنی‌صدر عنوان نمود: «اینها اخبار صحیحی نیست و این قضیه مربوط به آنها و در دستور کارشان بوده است.» در این میان سه تن دیگر از اعضای شورای انقلاب آقایان هاشمی، اردبیلی و سبحانی ضمن تأکید بر این نکته که نکاتی قابل توجه و مورد دقت در سخنان دانشجویان است که باید در نظر گرفت، ابراز داشتند: «باید به نتیجه‌ای رسید و نگذاشت کمیسیون بدون نتیجه از کشور برود و نباید دولت ایران تضعیف شود.»^۱

به این ترتیب نشست مشترک رئیس‌جمهور، نمایندگان شورای انقلاب و نماینده‌های دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در زمینه دیدار اعضای کمیسیون تحقیق با تمام گروگان‌های امریکایی بی‌نتیجه پایان یافت و به دنبال آن موضوع ملاقات اعضای کمیسیون با همه گروگان‌های امریکایی به یکی از حساس‌ترین و داغ‌ترین موضوعات روز تبدیل شد که تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوتی را در سطح کشور در پی داشت.

با اعلام احتمال محاکمه و مجازات گروگان‌های امریکایی، فعالیت‌هایی از سوی برخی اعضای شورای انقلاب و وزرا مانند ابوالحسن بنی‌صدر (وزیر خارجه وقت) و صادق قطب‌زاده (وزیر خارجه بعدی) برای مذاکره با امریکا به قصد حل مشکل گروگان‌ها صورت گرفت.

از جمله مرحوم حاج احمد خمینی در یک اظهار نظر شخصی گفت:

معتقدم ملاقات، خوب و بدون ضرر است و در برنامه کار گروه بررسی بوده است. البته

سود بردن یا سود نبردن آمریکا از این ملاقات امر دیگری است. اما دانشجویان مسلمان

پیرو خط امام مستقل هستند و با من هیچ امری را مشورت نمی‌کنند.^۱

در روز ۱۵ اسفند، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با انتشار اطلاعیه‌ای شرایط ملاقات

کمیسیون تحقیق را با گروگان‌ها را چنین اعلام کردند:

۱. امام خمینی در پیام اخیرشان وظایف کمیسیون را تحقیق در جنایات شاه و امریکای

جهانخوار مشخص کردند و در آن پیام، امر گروگان‌ها به نمایندگان ملت که در مجلس

شورای اسلامی اجتماع می‌کنند واگذار شده است.

۲. ملاقات کمیسیون تحقیق با همه گروگان‌ها در شرایط فعلی را با توجه به استدلال‌های

ما در جلسه قبل (با رئیس جمهور و نمایندگان شورای انقلاب) با خط سازش‌ناپذیری و

قاطع امام سازگار نمی‌دانیم.

۳. همان‌طور که امام در پیامشان تصریح فرموده‌اند در ارائه مدارک جنایات شاه مخلوع

و امریکا به کمیسیون تحقیق نباید از هیچ کمکی دریغ نماییم، لذا اسناد جاسوسی چند

تن از گروگان‌ها را به عنوان شاهد جنایات امریکا به کمیسیون ارسال تا اگر بخواهند از

این تعداد به عنوان سند زنده جاسوسی امریکا در ایران تحقیق به عمل آورند.

۴. چنانچه کمیسیون در ارائه نتایج، خواست ملت رشید و مظلوم به خون نشسته ایران

را به گوش جهانیان برساند و آن را در سازمان ملل مطرح و بقبولاند، دیدار آنها با همه

گروگان‌ها جهت اطلاع از سلامتی و شرایط گروگان‌ها به دعوت ایران انجام خواهد شد و

ابتکار عمل به دست ایران بوده و از این طریق دست امریکای جنایتکار از هرگونه سوء

استفاده به دور باشد.^۲

با اصرار شورای انقلاب جهت ملاقات اعضای کمیسیون تحقیق با همه گروگان‌ها و عدم

پذیرش آن از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، گزینه تحویل گرفتن گروگان‌ها از

سوی شورای انقلاب در دستور کار قرار گرفت. شورای انقلاب در ۱۸ اسفند، ۲۴ ساعت به

دانشجویان مهلت داد تا با ملاقات کمیسیون تحقیق با گروهان‌ها موافقت نمایند یا آنها را تحویل نماینده شورای انقلاب بدهند. آیت‌الله مهدوی کنی، سرپرست وزارت کشور و از اعضای شورای انقلاب در روز یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۸ گفت:

در جلسه دیشب شورای انقلاب به خاطر اینکه آقایان دانشجویان و مردم تصور نکنند که شورای انقلاب، زحمات دانشجویان را مورد نظر قرار نداده و نمی‌دهد، قرار شد دوباره با آنها مذاکره شود تا اگر حاضر شوند که هیئت با آنان ملاقات کنند گروهان‌ها کماکان در اختیار آنان باشد. ما اصراری به تحویل گرفتن گروهان‌ها نداریم. اگر دانشجویان ملاقات را نپذیرفتند شورای انقلاب گروهان‌ها را تحویل خواهد گرفت.^۱

آقای علی‌اکبر معین‌فر، وزیر نفت وقت و عضو دیگر شورای انقلاب، نیز در همین مورد گفت:

شورای انقلاب منصوب امام امت است و امام امت همه ا فشار را به تبعیت از تصمیمات شورای انقلاب دعوت فرموده‌اند. دانشجویان پیرو خط امام چون ملاقات کمیسیون تحقیق با گروهان‌ها را برخلاف مشی سیاسی خود می‌دانند، تقاضای تحویل آنها به شورای انقلاب را کرده‌اند. سپس آنها یا ملاقات را می‌پذیرند یا طبق پیشنهاد خودشان گروهان‌ها را تحویل شورای انقلاب می‌دهند. هدف شورای انقلاب این است که گروهان‌ها کماکان در اختیار دانشجویان باشند تا تکلیف آنها به وسیله مجلس شورای ملی تعیین شود. اما اگر دانشجویان در مورد تحویل آنها به شورای انقلاب پافشاری کنند، شورای انقلاب ناگزیر از تحویل گرفتن آنهاست.^۲

آقای هاشمی رفسنجانی یکی دیگر از اعضای شورای انقلاب، در همان روز ۱۹ اسفند

مخالفت خود را با تحویل دادن گروهان‌ها توسط دانشجویان اعلام داشت و گفت:

من مخالفت خودم را در شورای انقلاب گفته‌ام و در ملاقات طولانی که با دانشجویان داشتم به آنان این تذکر را هم دادم که چون آنها این [تحویل دادن گروهان‌ها] را پیشنهاد

۱. همان، (۱۹ اسفند ۱۳۵۸): ص ۱.

۲. همان، ص ۲.

کرده بودند. گفتم این مصلحت نیست و آن را مطرح نکنید ولی آقایان مطرح کردند.^۱ در این میان شورای انقلاب بعد از تشکیل جلسه در حضور رئیس جمهور (بنی‌صدر) در اطلاعیه‌ای ضمن شرح مسائل مربوط به دیدار کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد با گروهان‌ها و اینکه دانشجویان مسئولیت نگهداری گروهان‌ها را از خود سلب کردند و خواستار تحویل دادن آنها هستند، اعلام داشت:

طبق نظر شورا در صورتی که دانشجویان همچنان بر این پیشنهاد خود اصرار بورزند، وزارت امور خارجه عهده‌دار تحویل‌گیری و نگهداری آنان خواهد بود تا تکلیف نهایی آنان را مجلس شورای اسلامی تعیین کند. آنچه مورد نظر شورا بوده و هست تنها همین است که هیئت مزبور می‌تواند با گروهان‌ها دیدار کند مگر آنکه دانشجویان همچنان بر مخالفت خود با این دیدار اصرار بورزند که در این صورت طبق پیشنهاد خود آنان گروهان‌ها را تحویل خواهد گرفت و وزارت خارجه مسئول انجام آن خواهد بود.^۲



قطب‌زاده در گفتگو با والدهایم به اطلاع وی رسانید که ایران استرداد شاه و بازپرداخت ثروت او در مقابل آزادی گروهان‌ها را می‌خواهد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام نیز طی اطلاعیه‌ای با تذکر این نکته که ملاقات کمیسیون تحقیق با همه گروهان‌ها انحرافی و غیرممکن است، آمادگی خود را جهت تحویل آنها به نماینده شورای انقلاب در روز ۱۹ اسفند اعلام داشتند.^۳ صادق قطب‌زاده، وزیر امور خارجه که مسئولیت تحویل گرفتن گروهان‌ها را از سوی شورای انقلاب به دست آورده بود، بلافاصله

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۲.

بعد از جلسه مشترک شورا با رئیس جمهور این شایعه را که شورای انقلاب و وزارت خارجه برای آزاد ساختن گروگان‌ها آنها را تحویل می‌گیرد تکذیب کرده و گفت: «این موضوع ربطی به وزارت خارجه نداشته و فقط مسئول اجرای دستور شورا بوده است.» سپس افزود: «شورای انقلاب تصمیم خود راجع به ملاقات اعضای کمیسیون تحقیق با گروگان‌ها را به هیچ وجه تغییر نخواهد داد و اعضای کمیسیون باید با همه گروگان‌ها ملاقات کنند.»^۱

روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۸ نمایندگان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در مصاحبه‌ای تلویزیونی به صراحت و آشکارا دلایل مخالفت خود را با دیدار اعضای کمیسیون با تمام گروگان‌های امریکایی توضیح دادند. این مصاحبه به دستور شورای انقلاب پخش نشد تا نماینده‌ای از سوی شورا به موارد مطرح شده پاسخ گوید. لذا قطب‌زاده به عنوان نماینده شورای انقلاب در مصاحبه‌ای تلویزیونی به سخنان دانشجویان پاسخ گفت و هر دو مصاحبه در ۱۹ اسفند از سیما پخش گردید. در مصاحبه دانشجویان آمده بود:

اعضای کمیسیون، مورد اعتماد ما نیستند و حاضر نیستیم آنها را به سفارت راه دهیم. افراد کمیسیون تحقیق پس از ملاقات گروگان‌ها اعلام خواهند کرد که چند تن از گروگان‌ها نیاز به بستری شدن دارند و انتقال آنها به بیمارستان را خواستار خواهند شد و این درخواست که طی یک نقشه حساب شده است، گروگان‌ها را از لانه جاسوسی خارج خواهد کرد. از سوی دیگر آمدن کمیسیون تحقیق نقشه‌ای است که با نظارت امریکا و دلالی کورت والدهایم طراحی شده و سفر والدهایم به ایران و گفتگوهایش با وزارت امور خارجه به این خاطر بوده که مقدمات آزادی گروگان‌ها فراهم شود و دلیلش اینکه دولت امریکا از آمدن کمیسیون تحقیق به ایران اظهار خوشنودی کرده و احتمال آزادی گروگان‌ها را در افکار عمومی امریکا تشدید کرده است. از سوی دیگر صادق قطب‌زاده در سفر خود به رم و پاریس احتمالا با سایروس ونس و مقام‌های دیگر امریکایی ملاقات‌هایی داشته و نیز به دروغ، نقل قولی از امام دایر به جواز دیدار

کمیسیون با گروگان‌ها کرده که این قراین صلاحیت او را در تحویل گروگان‌ها خدشه‌دار می‌کند. ما آماده تحویل گروگان‌ها هستیم و آزادی آنها را انحراف از خط امام تلقی می‌کنیم و چون پاره‌ای از مقام‌های رسمی از قضیه دولت در دولت سخن رانده و کار ما را مداخله در کار اجرایی حکومت دانسته‌اند لذا ترجیح می‌دهیم که گروگان‌ها را به شورای انقلاب تحویل دهیم.

قطب‌زاده در پاسخ به ایرادات دانشجویان ضمن اعلام انحراف دانشجویان از خط امام گفت:

به رغم دستور صریح امام که همه افراد باید نتایج تحقیقات و مدارک و اسناد خود در مورد جنایات شاه و امریکا را به کمیسیون عرضه کنند، دانشجویان از پذیرفتن اعضای کمیسیون و دیدار آنها با گروگان‌ها خودداری کرده‌اند. در حالی که هر زندانی حق دارد بازدید کننده داشته باشد. من به عنوان وزیر امور خارجه در صلاحیت افراد شرکت‌کننده در این کمیسیون نه تنها تردیدی ندارم بلکه آنها را با صلاحیت‌ترین اشخاص در این امر می‌دانم. کمیسیون با مشورت امام و تصویب شورای انقلاب به ایران دعوت شده‌اند و این امر به ابتکار ما بوده است و هیچ‌کس نه امریکا و نه کورت والدهایم این کمیسیون را به ایران تحمیل نکرده‌اند. چرا دانشجویان مصوبات شورای انقلاب را نادیده می‌گیرند و مشروعیت قانونی آن را که بر حسب حکم امام جاری شده نفی می‌کنند؟ چرا برخلاف حکم امام که فرموده‌اند همه باید از شورای انقلاب حمایت و اطاعت کنند دانشجویان نه تنها ما را از تمام جریان‌های داخل لانه جاسوسی بی‌خبر گذاشته‌اند، در واقع ما همین چند روز پیش برای اولین بار از آنجا بازدید کرده‌ایم، بلکه پیشنهادات ما را که در جلسات مشترک با آنها داشته‌ایم نادیده گرفته‌اند؟ و گفتند اگر ما را زیر فشار قرار دهید ما گروگان‌ها را به شورای انقلاب تحویل می‌دهیم، وقتی شورا مسئولیت این تحویل را پذیرفت دانشجویان شروع به بهانه‌تراشی کردند و گفتند این بیاید و آن نیاید! ما از این بازی‌ها نمی‌ترسیم و طبق دستور امام کار گروگان‌ها باید با نظر مجلس شورای ملی فیصله پذیرد و تا آن موقع ما آنها را می‌توانیم زیر نظارت

شورای انقلاب نگه داریم.^۱

اعضای کمیسیون تحقیق سازمان ملل با سه تن از اعضای سفارت امریکا به اسامی ویکتور تامست، بروس لینگن و مایک هاوولد که توانسته بودند خود را به وزارت امور خارجه ایران برسانند و لذا در آنجا نگاه داشته می‌شدند ملاقات و گفتگو کردند. ویکتور تامست در خاطرات خود از دیدار با اعضای کمیسیون می‌گوید:

اعضای کمیسیون سازمان ملل چند روز پس از ورود به تهران با ما که در وزارت خارجه به سر می‌بردیم، ملاقات کردند. در گفتگو با اعضای این کمیسیون که قبل از ما با مقام‌های دولت ایران نیز مذاکراتی داشتند آنها را فوق‌العاده نسبت به حل قضیه خوشبین و امیدوار یافتیم، چون پیوسته تأکید می‌کردند که روند اقداماتشان بر اساس یک سناریوی از قبل تنظیم شده قرار دارد و این سناریو علاوه بر امریکا به تأیید مقام‌های ایران هم رسیده است.^۲

انتشار خبر تحویل گروگان‌ها به شورای انقلاب (و وزارت خارجه) خوشحالی فوق‌العاده مقامات امریکایی را در پی داشت، طوری که همیلتون جردن از شنیدن آن خدا را شکر کرد، با سرعت به کاخ سفید رفت و دوان دوان خود را به دفتر کارتر رسانید و خبر را گزارش نمود.^۳ همین خبر، شادی بی‌اندازه گروگان‌ها را نیز به دنبال آورد. بیل‌بک از گروگان‌های امریکا در خاطراتش می‌گوید:

بعد از اعلام این خبر که قرار است دانشجویان، امور مربوط به نگهداری از گروگان‌ها را به دولت ایران تحویل دهند، چون دیگر کاملاً مطمئن شدم که روز آزادی ما به زودی فرا می‌رسد از خوشحالی در پوست نمی‌گنجیدم و خود را آماده می‌کردم تا به زودی همراه

۱. همان، (۲۰ اسفند ۱۳۵۸): ص ۲.

۲. ولز، همان، ص ۴۴۴.

۳. جردن، همان، ص ۲۱۲.

بقیه گروگان‌ها عازم امریکا شوم.^۱

قطب‌زاده نیز چنان مطمئن به تحویل گرفتن گروگان‌ها و ملاقات کمیسیون تحقیق با آنها بود که به دیدن سه امریکایی مستقر در وزارت خارجه رفت و به آنها گفت: «در عرض ۲۴ ساعت آینده سرپرستی گروگان‌ها به دولت واگذار خواهد شد.»^۲ از طرفی وی مقدمات انتقال، محافظت و رفاه گروگان‌ها را در وزارت امور خارجه فراهم آورد که عبارت بودند از: چند هلی‌کوپتر جهت بردن گروگان‌ها از سفارت، پنجاه تختخواب و تعدادی کمد فلزی برای استراحت و استفاده گروگان‌ها، مسدود کردن همه پنجره‌های محل تعیین شده برای استقرار گروگان‌ها تا آنها از خطر سنگ‌اندازی تظاهرکنندگان و حتی حریق احتمالی محفوظ بمانند.^۳



۱. ولز، همان، ص ۴۴۷.

۲. همان.

۳. جردن، همان، ص ۲۱۴ و ۳۰۰؛ ولز، همان، ص ۴۴۷.

تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده با القا و انتشار این خبر نادرست که امام خمینی با انتقال گروگان‌ها به شورای انقلاب (و وزارت خارجه) موافقت کرده است، سعی می‌کردند دانشجویان را وادار به تسلیم نمایند. اما انتشار اطلاعیه‌ای از سوی دفتر امام به تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۵۸ نقشه آنها را عقیم گذاشت. در این اطلاعیه آمده بود:

بسم الله الرحمن الرحيم. در ارتباط با تحویل گروگان‌ها به شورای انقلاب بعضی از روزنامه‌ها این موضوع را به امام نسبت داده‌اند. حضرت امام خمینی مدظله در این باره ساکت می‌باشند و فقط امر گروگان‌ها را به مجلس شورای اسلامی واگذار نموده‌اند. قم، دفتر امام خمینی.^۱

با انتشار اطلاعیه دفتر امام خمینی^(س)، عده بسیاری از مردم در اطراف لانه جاسوسی آمریکا به حمایت از دانشجویان تجمع و تظاهرات کردند. دانشجویان نیز از اینکه گروگان‌ها را تحویل قطب‌زاده دهند خودداری نمودند و او را متهم ساختند که به دروغ گفته است امام با انتقال گروگان‌ها موافق است. در مقابل، قطب‌زاده در جلسه شورای انقلاب کوشید موافقت اعضا را جهت مواجهه با دانشجویان و صدور اولتیماتوم جلب نماید اما در این امر موفق نشد. شورا موافقت کرد روز بعد با امام ملاقات و نظر ارشادی ایشان را نسبت به موضوع جویا شوند. به نوشته همیلتون جردن:

[امام] خمینی در ملاقات مذکور گفت: به دانشجویان عزیز دستور خواهد داد تا اجازه دهند هیئت، گروگان‌ها را ملاقات نمایند مشروط بر اینکه رئیس هیئت در ابتدا نسبت به یافته‌های خود از جنایات شاه [و دخالت‌های آمریکا] اطلاعیه‌ای صادر کند. قطب‌زاده کوشید تا هیئت را متقاعد کند کمی از سناریو منحرف شوند و با این کار موافقت نمایند، ولی قبل از اینکه آنها فرصت مذاقه در این امر [و تماس با مقام‌های امریکایی] را داشته باشند اطلاعیه مهم [امام] خمینی در مورد شرط اساسی دیدار کمیسیون منتشر شد و

اعضای کمیسیون تصمیم به ترک ایران گرفتند.^۱

در اطلاعیه مهم امام به تاریخ ۲۰ اسفند چنین آمده بود:

۱. رونوشت کلیه مدارک مربوط به دخالت امریکا و شاه خائن را باید در اختیار هیئت بررسی و تحقیق جنایات دولت امریکا و شاه گذاشت و دانشجویان مسلمان هم اگر مدارکی در این مورد دارند رونوشت آن را در اختیار هیئت بگذارند.
۲. ملاقات با گروگان‌هایی که در پرونده جنایات امریکا و شاه دخالت دارند برای بازجویی از آنان آزاد است.

۳. اگر هیئت بررسی نظر خودش را در تهران درباره جنایات شاه مخلوع و دخالت‌های امریکای متجاوز ابراز داشتند ملاقات با تمامی گروگان‌ها بلامانع است.^۲



نتیجه چند دور گفتگوی قطب‌زاده با والدهایم یافتن فرمولی برای تشکیل کمیسیون تحقیق بود که منحصرآ درباره جنایات شاه، چپاول اموال دولت و دخالت ایالات متحده امریکا در ایران تحقیق و بررسی می‌کرد.

بنی‌صدر و قطب‌زاده آخرین تلاش خود را برای انصراف هیئت از عزیمت از تهران به کار بردند. همیلتون جردن همراه عده‌ای از مقامات امریکایی در کاخ سفید، به صورت مستقیم و پی در پی با وکلای فرانسوی بورگه و ویالون - که در هتل هیلتون تهران به سر می‌بردند - در تماس بودند. در اتاق دیگر هتل هیلتون، اعضای کمیسیون سازمان ملل مستقر بودند. به نوشته جردن، نظر کارتر این بود: «در

صورتی که سناریو عوض نشود علاقه‌مندم اعضای کمیسیون در تهران بمانند.»^۳

۱. جردن، همان، ص ۲۱۵.

۲. روزنامه اطلاعات، (۲۱ اسفند ۱۳۵۸): ص ۲.

۳. جردن، همان، ص ۲۱۵.

اعضای کمیسیون سازمان ملل که طبق دستور دریافت شده نمی‌توانستند شرط اساسی ملاقات با گروگان‌ها را بپذیرند و از سناریوی تنظیمی منحرف شوند صلاح را در ترک ایران دیدند، لذا ساعت ۸ بامداد روز ۲۱ اسفند ۱۳۵۸ با بدرقه قطب‌زاده و برخی مقامات وزارت خارجه، تهران را به قصد زوریخ ترک کردند. سخنگوی کمیسیون بیانیه کوتاهی را پیش از ترک تهران قرائت کرد که در آن آمده بود:

کمیسیون برای حل بحران باید با کورت والد‌هایم دبیر کل سازمان ملل مشورت‌های بیشتری بکند و در این شرایط کمیسیون قادر نیست گزارش خود را تهیه کند و این مطلب به مقام‌های ایرانی نیز اطلاع داده شده است. اما کمیسیون آماده پذیرفتن اسناد دیگری درباره جنایات شاه است.^۱

قطب‌زاده پس از رفتن اعضای کمیسیون در مصاحبه‌ای گفت:

اعضای کمیسیون پس از مشورت‌های خود با دبیر کل سازمان ملل برای ادامه کار خود به تهران بازخواهند گشت. کار آنها هنوز به اتمام نرسیده و مأموریت کمیسیون را نباید شکست خورده تلقی کرد. دولت امریکا باید بداند که ما نهایت تلاش خود را برای حل بحران موجود به عمل آوردیم و به آنها اطمینان می‌دهیم که گروگان‌ها در سلامت به سر می‌برند. ما می‌خواهیم موضوع به طور صلح‌آمیز و شرافتمندانه‌ای حل شود.^۲

با اینکه کمیسیون، آمادگی خود را جهت دریافت اسناد بیشتر اعلام داشته بود اما قبل از ترک هتل و عزیمت به فرودگاه از تحویل گرفتن ۴۸۰ برگ سند راجع به جنایات شاه و دخالت‌های امریکا در امور داخلی ایران که توسط نمایندگان دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اختیار آنها قرار گرفت خودداری کردند. دانشجویان اسناد مذکور را در اتومبیل یکی دیگر از اعضای کمیسیون قرار دادند ولی در فرودگاه مهرآباد اسناد که توسط اعضای کمیسیون به نگهبانان فرودگاه داده شده بود به دانشجویان برگردانده شد. جالب اینکه قطب‌زاده به عنوان

۱. روزنامه اطلاعات، (۲۱ اسفند ۱۳۵۸): ص ۲.

۲. همان.

وزیر امور خارجه در مورد امتناع کمیسیون از دریافت اسناد ذکر شده گفت: «چون این کمیسیون اشغال لانه جاسوسی آمریکا را غیرقانونی می‌داند از گرفتن اسناد امتناع ورزید!»^۱ به دنبال شکست کمیسیون تحقیق در اجرای سناریوی آزادی گروگان‌ها و ترک تهران، وکلای فرانسوی بورگه و ویالون برای دیدار و مذاکره با مقامات امریکایی به برن رفتند. آن دو در ۲۲ اسفند ۱۳۵۸ (۱۳ مارس ۱۹۸۰) در دیدار با همیلتون جردن بنی‌صدر (مربوط به ۱۹ اسفند) را به او رساندند که به عنوان رئیس جمهور ایران قول داده بود ظرف مدت پانزده روز کنترل گروگان‌ها را دولت ایران به دست گیرد. جردن نیز به عنوان پاسخ به بنی‌صدر در نامه‌ای به وی نوشت:

رئیس جمهور بنی‌صدر عزیز

من از وصول پیام مورخ دهم مارس شما مشعر بر اینکه ۵۳ گروگان امریکایی ظرف مدت پانزده روز آینده تحت اختیار دولت ایران قرار خواهند گرفت متشکرم. پیام مزبور را به پرزیدنت کارتر رسانیدم و مشارالیه آن را به عنوان یک پیشرفت دلگرم کننده تلقی نمود. شکیبایی و احتیاطی که از طرف رئیس جمهور امریکا اعمال شده هر روز نقصان می‌یابد و محققا پایدار و ابدی نخواهد بود. عده‌ای از سیاستمداران ما که هر روز به تعداد آنها افزوده می‌شود نسبت به تصمیم‌های شدید علیه ایران ابراز علاقه می‌کنند. با این وجود هنوز شخص رئیس جمهور هر نوع اقدامی برای حل بحران میان دو ملت را جز از طریق صلح جویانه رد کرده است. لازم است صریح و بی‌پرده به اطلاع شما برسانم که برقراری روابط در آینده امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه هر چه زودتر کلیه گروگان‌ها به سلامت به کشور ما بازگردند. ارادتمند، همیلتون جردن.^۲

تلاش گسترده تیم بنی‌صدر - قطب‌زاده و کمیسیون تحقیق سازمان ملل جهت اجرای سناریوی محرمانه و آزادی گروگان‌ها با درایت و هوشیاری رهبر فرزانه انقلاب امام خمینی (س)

۱. همان.

۲. جردن، همان، ص ۲۱۷.

به شکست انجامید و گروگان‌های امریکایی همچنان در اختیار دانشجویان مسلمان پیرو خط امام باقی ماندند. اکنون عملیات نظامی جهت آزادی گروگان‌ها در دستور کار کاخ سفید قرار گرفت. در چهارم فروردین ۱۳۵۹ (۲۴ مارس ۱۹۸۰) به دستور مستقیم جیمی کارتر، ژنرال جان پاستی، از مقامات ارشد ستاد مشترک امریکا، با دو نقشه نظامی وارد دفتر همیلتون جردن شد و گفت: «به من دستور داده‌اند گزارشی در خصوص مأموریت نجات گروگان‌ها به شما بدهم.» با شرح عملیات، جردن قانع شد که امکان موفقیت طرح وجود دارد. وی در مورد پیامدهای مثبت این عملیات نظامی می‌نویسد:

پس از ماه‌ها صبر و انتظار و امید، مذاکره و شکست، این هم راهی برای اقدام بود که از آن طریق می‌توانستیم افراد خود را بر باییم و به ماجرا خاتمه دهیم. این عملیات به وجهه رئیس جمهور و ملت امریکا می‌افزود، به جراید و مخالفین سیاسی ما ثابت می‌کرد که کارتر یک رئیس قوه مجریه بی‌تصمیم نیست و از عمل ترسی ندارد. این کار می‌توانست موجب اتکا و پشتگرمی جامعه جهانی باشد که تردیدش نسبت به قدرت امریکا هر دم رو به افزایش داشت. یک مأموریت شجاعانه خطایی را که نسبت به کشور و ملت امریکا در اذهان ایجاد شده بود برطرف می‌کرد.^۱



موضع قاطع امام خمینی^(س) در مورد اینکه سرنوشت گروگان‌ها در مجلس تعیین خواهد شد، خشم شدید جیمی کارتر را در پی آورد.

رویکرد نظامی کاخ سفید مانع از آن نبود که امریکایی‌ها درخواست دومین ملاقات محرمانه قطب‌زاده با هدف شروع دوباره سناریو را نپذیرند. همیلتون جردن به عنوان فرستاده عالی‌رتبه کاخ سفید به تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۵۹ (۱۸ آوریل ۱۹۸۰) در یکی از شهرهای اروپا به

گفتگوی سه ساعته با قطب‌زاده پرداخت. در این ملاقات قطب‌زاده به وی گفت:

۱. همان، ص ۲۵۶ و ۲۵۷.

ترتیبات حقیقی و دقیق توسط وزارت امور خارجه به منظور دریافت گروگان‌ها به عمل آمده بود. هلی‌کوپترها آماده بردن گروگان‌ها از محوطه سفارت به وزارت خارجه بودند. درست به مرحله حساس کار نزدیک شده بودیم. اشتباه بزرگ ایالات متحده قطع روابط دیپلماتیک با ایران بود. شما ایران را در برابر خطر روسیه قرار دادید. به زودی مملکت من پر از اعضای کاگ ب [سازمان اطلاعات و جاسوسی شوروی سابق] خواهد شد. موضوع گروگان‌ها اکنون در ایران یک مسئله سیاسی شده است. امید من فقط آن است که رئیس جمهور شما اقدام تندی مانند حمله به ایران یا مین‌گذاری آب‌های ساحلی انجام ندهد.



تیم بنی صدر - قطب‌زاده با القوا و انتشار این خبر نادرست که امام خمینی با انتقال گروگان‌ها به شورای انقلاب (و وزارت خارجه) موافقت کرده است، سعی می‌کردند دانشجویان را وادار به تسلیم نمایند.



جردن پاسخ داد: «لازم نیست در این مورد نگرانی داشته باشید. او چنین کاری نخواهد کرد. رئیس جمهور کارتر جنگ‌طلب نیست.»^۱ اما جردن در حالی این پاسخ را می‌داد که دستور انجام عملیات نیروی هوایی امریکا موسوم به دلتا جهت رسیدن به صحرای طیس و رفتن به تهران با هدف ربودن گروگان‌ها و انتقال آنها به امریکا ابلاغ شده بود. به نوشته سرهنگ چارلی بکویت، فرمانده عملیات دلتا:

او و ۱۱۸ نفر افراد تحت فرماندهی‌اش مأموریت داشتند ۷۰ تا ۱۲۵ نفر (از دانشجویان) مستقر در سفارت امریکا و نیز هر ایرانی که برای کمک به آنها می‌رفت را مثل آبکش سوراخ سوراخ نمایند.^۲

۱. همان، ص ۳۰۱.

۲. چارلی بکویت، نیروی دلتا، ترجمه رضا فاضل زرنندی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶)، ص ۱۸ و ۳۹۳. برای شرح

کارتر در ۲۷ فروردین ۱۳۵۹ (۱۶ آوریل ۱۹۸۰) گفته بود: «سرهنگ بکویث تأییدیه مرا برای به کارگیری هر گونه قوه قهریه‌ای که برای نجات جان امریکاییان لازم است در اختیار دارد.»^۱ اما این عملیات خشن نظامی با اراده خداوند به وسیله توفان شن در صحرای طبس متوقف گردید و با برخورد یکی از هلی‌کوپترها با هواپیمای سی ۱۳۰ و انفجار و آتش گرفتن هر دو، هشت تن از نظامیان امریکایی کشته شده و سوختند.^۲ چون امکان ادامه عملیات وجود نداشت، دستور توقف عملیات و بازگشت نیروها توسط شخص کارتر صادر شد.^۳

با انتشار خبر شکست عملیات نظامی امریکا در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹، قطب‌زاده در تماس تلفنی مستقیم با همیلتون جردن از وی پرسید: «معلوم هست چه خبر است؟» جردن جواب داد: «ما امشب سعی کردیم هموطنانمان را نجات دهیم ولی برنامه با شکست مواجه شد. این یک برخورد نظامی نبود[!؟] و به

رویکرد نظامی کاخ سفید مانع از آن نبود که امریکایی‌ها درخواست دومین ملاقات محرمانه قطب‌زاده با هدف شروع دوباره سناریو را نپذیرند.

هیچ ایرانی هم آسیبی نرسید، فقط کوششی برای آزاد کردن گروگان‌ها بود.» قطب‌زاده با عصبانیت گفت: «چقدر احمقانه! کوشش احمقانه‌ای بود از طرف کشور شما. با این کار خود، گروگان‌ها را به کشتن می‌دهید.» جردن نیز با خشم جواب داد:

احمقانه؟ احمقانه عمل دولت شماست که امریکاییان بی‌گناهی را به گروگان گرفته‌اید. مأموریتی که امشب به شکست انجامید باید برای کشور شما درس عبرتی باشد. ما

عملیات دلتا (صحرای طبس) نک: همان، ص ۴۰۴-۳۹۳.

۱. همان، ص ۳۹۹.

۲. برای توضیح بیشتر نک: همان، ص ۴۳۴-۴۱۲.

۳. جردن، همان، ص ۳۰۷.

کم کم صبر و شکیبایی خود را از دست می‌دهیم و به شمار اخطار می‌کنم که اگر کوچک‌ترین آسیبی به هر یک از گروگان‌ها برسد ایران بهای سنگینی برای آن خواهد پرداخت.^۱

عاقبت با تشکیل مجلس شورای اسلامی و رسیدگی به امر گروگان‌ها در آبان ۱۳۵۹، دولت الجزایر به میانجیگری برای حل بحران گروگان‌گیری پرداخت و با نظر مثبت مجلس، توافقنامه الجزایر بین دو کشور آمریکا و ایران امضا شد و گروگان‌های آمریکایی در ۳۰ دی ۱۳۵۹ آزاد شدند. طبق توافقنامه الجزایر از ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های ارزی ایران در آمریکا، ۲/۵ میلیارد دلار به ایران پرداخت شد. ۵ میلیارد دلار بابت وام‌هایی که دولت ایران در دوره پهلوی از آمریکا گرفته بود به آن کشور پرداخت گردید. ۳ میلیارد دلار در آمریکا باقی ماند تا وضع مطالبات ایران از نظر اموال نظامی و فروش نفت در رژیم پهلوی معین شود. ۱/۵ میلیارد دلار باقیمانده نیز در یک حساب تضمینی بهره‌دار نزد بانک مرکزی الجزایر باقی ماند تا رئیس هیئت داوران حل و فصل اختلافات گواهی کند که تمام مفاد موافقتنامه به اجرا درآمده است. آمریکا نیز تضمین نمود که از هر گونه دخالت سیاسی و نظامی در امور ایران خودداری کند. شایسته یادآوری است با مرگ محمدرضا پهلوی به تاریخ ۵ مرداد ۱۳۵۹ در قاهره^۲ استرداد وی دیگر جزو درخواست ایران نبود.

تصرف سفارت آمریکا در تهران، گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی و بی‌نتیجه ماندن تلاش‌های آمریکا در آزادی آنها، کوشش کارتر جهت رسیدن دوباره به مقام «پرزیدنتی» ایالات متحده آمریکا را با شکست مواجه ساخت و وی در اول بهمن ۱۳۵۹ (۲۱ ژانویه ۱۹۸۱) بعد از تحویل کاخ سفید به رقیبش رونالد ریگان، خطاب به همیلتون جردن گفت:

می‌دانی همیلتون! اگر در ماه مارس [سفر کمیسیون تحقیق سازمان ملل و اجرای سناریوی آمریکایی آزادی گروگان‌ها] قدری شانس با ما یاری کرده بود و توانسته

بودیم آنها (گروگان‌ها) را از ایران خارج کنیم اکنون به کاخ سفید و اشنگتن بر می‌گشتم.^۱
«ومکروا و مکراالله و الله خیر الماکرین»